



اشاره

بازی از آغاز پیدایش آدمی با او همراه بوده است؛ زیرا جزئی از حیات اوست. بنابراین، قدمت بازی با پیشینه به وجود آمدن آدمی یکی است. همچنان که سابقه زندگی انسان به دو بخش پیش از تاریخ و دوره تاریخی تقسیم می‌شود، پیشینه بازی هم به پیش از تاریخ می‌رسد. از آنجا که آدمی در طول حیات خود تحولاتی داشته، طبعاً بازی هم که ساخته و پرداخته اوست، دگرگون شده، پاره‌ای از انواع آن به‌مرور زمان از میان رفته است و پاره‌ای دیگر کمال یافته و قسمتی هم در تحول ایام به وجود آمده است.

بی‌شک انسان نخستین با تشکیل گروه‌هایی ابتدایی بازی‌های دسته‌جمعی از قبیل تقلید حرکات و صداها - چه هنگام حمله و فرار و چه موقع برخورد های دوستانه - داشته و یا تکرار اعمال خود در هنگام شکار یا جنگ با دشمن به‌صورت حرکات موزون در نوعی بازی نمایشی شرکت می‌کرده که ضمن سرگرم شدن برایش لذت‌بخش هم بوده است. نوع دیگری از بازی‌های مورد توجه انسان نخستین، ظاهراً بازی با سنگ، چوب و درخت و با حیوانات به‌عنوان گوناگون بوده است. طبعاً، بازی با همین مواد او را به ساختن و تعبیه وسایل زندگی

رهنمون کرده است.

دادن تعریف جامع و مانعی از بازی، که مورد تأیید همه نظریه‌پردازان روان‌شناسی باشد، ممکن نیست. هر صاحب‌نظری بر اساس تجربه‌ها، مشاهده‌ها، اعتقاد و نگرش خود بازی را به‌نوعی تعریف کرده و هر یک با برجسته کردن جنبه‌ای از بازی دیدگاه خاصی را نشان داده است. در میان تعاریف داده‌شده از بازی، اشتراک‌ها و تشابهات زیادی وجود دارد. بازی عبارت است از هر نوع فعالیتی که برای تفریح، خوشی و اغلب بدون توجه به نتیجه نهایی صورت می‌گیرد. انسان داوطلبانه وارد این فعالیت می‌شود و هیچ نیروی بیرونی یا اجباری در آن دخیل نیست.

کلیدواژه‌ها: بازی، بازی‌درمانی و خلاقیت

اهمیت بازی در اسلام

خداوند نخستین دوره رشد انسان را با بازی همراه کرده است. در اسلام، به این موضوع توصیه شده است که کودکان را تا هفت سالگی آزاد بگذارید تا بازی کنند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «بگذار فرزندت تا هفت سال به بازی بپردازد، در هفت سال دوم به او ادب بیاموز و در هفت سال سوم با او مشورت کن.» در روایتی آمده است حضرت محمد (ص) با جمعی از یاران از محلی عبور می‌کردند که کودکانی را در حال خاک‌بازی دیدند. برخی از یاران خواستند آن‌ها را از بازی باز دارند که پیامبر فرمودند: «بگذارید بازی کنند که خاک محل پرورش کودکان است.» اسلام علاوه بر آنکه از واپس زدن این تمایل در کودکان می‌پرهیزد، توصیه می‌کند که پدران و مادران امکانات لازم را برای بازی کودک فراهم کنند و در هر موقعیت و مقام اجتماعی نیز که هستند، وقتی را به بازی با فرزندان خویش اختصاص دهند و خیال نکنند که در صورت بازی کردن با فرزندان اقتدار یا متانتشان خدشه‌دار می‌شود. بازی یکی از فعالیت‌ها و اهداف مهم کودک در زندگی است. او نمی‌تواند از راه دیگری غیر از بازی به کشف محیط پیرامون خود بپردازد. استعداد های خود و توانایی‌هایش را شناسایی کند و آن‌ها را به کار بگیرد. کودک در حین بازی به تمرین زندگی بزرگسالی می‌پردازد.

سیره عملی پیامبر (ص)

محبت رسول خدا (ص) به کودکان به حدی بود که ایشان ضمن نادیده گرفتن موقعیت خود، با فروتنی به بازی با آن‌ها می‌پرداخت. در یکی از روزها که رسول خدا (ص) برای اقامه نماز جماعت عازم مسجد بودند، در راه به گروهی از کودکان برخوردند که در حال بازی بودند. بچه‌ها با دیدن پیامبر (ص) دست از بازی کشیدند و به سوی ایشان رفتند و به پیامبر (ص) گفتند: «کن جملی!» (شتر من باش) رسول خدا (ص) درخواست کودکان را اجابت کردند و مشغول بازی با آن‌ها شدند؛ درحالی که مردم در مسجد در انتظار ایشان بودند. بلال که در مسجد همراه مردم منتظر ورود رسول خدا (ص) بود، با مشاهده تأخیر پیامبر (ص) به سمت خانه ایشان حرکت کرد. او در راه به رسول خدا (ص) رسید و با دیدن صحنه بازی کردن ایشان با کودکان خواست بچه‌ها را از اطراف ایشان دور کند اما رسول خدا (ص) مانع شدند و از بلال خواستند تا به خانه ایشان برود و برای کودکان چیزی تهیه کند تا به این ترتیب بچه‌ها حضرت را رها کنند.

بهزاد آذر نیوشان

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، بابلسر

بازی کودکان، تمرین زندگی بزرگ‌سالی

بلال رفت و از منزل پیامبر (ص) تعدادی گردو پیدا کرد و به محضر ایشان بازگشت. رسول خدا (ص) گردوها را از بلال گرفتند و به بچه‌ها فرمودند: «آیا شتران خود را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان نیز با دیدن گردوها، آن‌ها را از دست پیامبر گرفتند و حضرت را رها کردند.

بازی یکی از نیازهای اساسی کودک به شمار می‌رود که در عین سرگرم کردن کودک، کارکردهای مهم دیگری نیز دارد که هر یک از آن‌ها به جنبه‌های از زندگی کودک مربوط می‌شود و او را برای ورود به زندگی بزرگسالی آماده می‌سازد. از این لحاظ، فضا، آزادی کودک، اسباب‌بازی‌های مورد استفاده و مدت زمانی که به بازی با کودک اختصاص داده می‌شود، در خور توجه است.

نکته‌ها و مسائل تربیتی بسیاری را می‌توان در خلال بازی‌ها به کودک

آموخت و به‌راحتی کودک را در مسیر درست تربیت کرد. همان‌طور که می‌توان

از خلال بازی‌های کودک به وضعیت و حالت عاطفی کودک، احساسات و افکار کودک پی برد. بنابراین بسیار لازم است که مربیان به نقش بازی در زندگی کودک توجه کنند و موقعیت مناسب را برای بازی‌های مناسب فراهم آورند. انسان به حرکت و جنبش نیاز دارد و بازی بخش مهمی از این نیاز است.

فلسفه بازی

هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی به اندیشه و تفکر نیاز دارد و بازی خمیرمایه این تفکر و اندیشه است. آمادگی جسمی و روحی برای مقابله با مشکلات بخشی از فلسفه بازی دانش‌آموزان است؛ بنابراین، بازی هر چه گسترده‌تر، پیچیده‌تر و اجتماعی‌تر باشد، کودک از مصونیت روانی بیشتری برخوردار می‌شود. کشف دنیای اطراف بخش دیگری از فلسفه بازی است که کودک حس کنجکاوی خود را از این طریق ارضا می‌کند. بازی تن و روان کودک را ایمنی می‌بخشد و مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی را که در آینده باید به دوش بکشد، به او می‌آموزد. کودک با بازی کردن موقعیتی به دست می‌آورد تا اعتقادات، احساسات و مشکلات خود را پیدا کند و مهارت‌های زندگی را بیاموزد. ساعات زیادی را که کودکان صرف بازی می‌کنند، نمی‌توان به هیچ‌وجه تلف شده تلقی کرد. بازی ممکن است شادی بخش باشد ولی در دوران کودکی کاری جدی است. بدون تردید، بازی بهترین شکل فعالیت طبیعی هر کودک محسوب می‌شود. لندسرت، از نظریه‌پردازان بازی، در سال ۲۰۰۲ اظهار می‌دارد: «بازی کردن برای کودک مساوی است با اهمیت صحبت کردن برای یک بزرگسال. بازی و اسباب‌بازی کلمات کودکان هستند»

ویرجینیا اکسلاین، از پژوهشگران

بازی‌درمانی، معتقد است: میل به

بازی در سنین

محبت
رسول خدا (ص)
به کودکان به حدی بود که
ایشان ضمن نادیده گرفتن
موقعیت خود، با فروتنی به
بازی با آن‌ها می‌پرداخت



امروزه ثابت شده است که کودکانی که به اندازه کافی و به درستی بازی نمی کنند، از رشد ذهنی و اجتماعی مناسب و درست بی بهره اند

بالا کم کم کاهش پیدا می کند و کارهای مهمی جای آن را می گیرد، ولی تا سال های پایانی عمر نیز تمایل به بازی در انسان وجود دارد؛ هر چند شکل و ظاهر و هدف بازی عوض شده باشد. ممکن است کودک

دلیل بازی کردن خود را نداند یا آنکه نتواند برای آن علتی بیان کند و از بازی کردن دست بکشد. امروزه ثابت شده است کودکانی که به اندازه کافی و به درستی بازی نمی کنند، از رشد ذهنی مناسب و اجتماعی درست بی بهره هستند.

بازی گزینه ای برای رشد و نمو استعدادها یا تمرین مقدماتی برای اعمال آتی است. بازی فرایندی چند بعدی است که به نحوی چشمگیر در خدمت تکامل و رشد کودک قرار دارد و می تواند راهی برای تخلیه این انرژی ها در مسیر سازنده باشد. همچنین عاملی است برای رشد نیروهای بالقوه و آماده سازی آن ها برای استفاده در زندگی. بازی فرایند یادگیری را برای کودک، این انسان کوچک، لذت بخش می کند و همچنین به ارضای بسیاری از نیازهای اساسی و زیربنایی او منجر می شود. اهمیت بازی در مباحث روان شناسی رشد تا

حدی است که صاحب نظران

آن را «تفکر کودک» نامیده اند. کودکان از

طریق بازی ارتباط برقرار می کنند.

مشکلات کودکان در فرایند رشد اغلب با توانا نبودن

بزرگسالان برای درک آن ها، پاسخگویی به آنچه کودکان احساس

می کنند یا تلاشی که صرف ایجاد ارتباط می کنند، توأم است. بیشتر بزرگسالان

انتظار دارند که کودکان به همان نحوی که آن ها (بزرگسالان) می پسندند، ایجاد ارتباط

کنند، (یعنی ارتباط کلامی). آن ها به جای اینکه با کودک کودکانه رفتار کنند، انتظار دارند که او خود را به حد یک بزرگسال برساند.

کودکان سعی می کنند خود را بفهمانند، هر چند که اغلب از طریق کلامی موفق نیستند؛ به طوری که میان آنچه از زبان آن ها فهمیده می شود و آنچه بیان می کنند، تفاوت وجود دارد. کودکان معمولاً بیشتر از بیان، درک می کنند. اکثر بزرگسالان قادرند احساسات (درماندگی، اضطراب و...) و مشکلات شخصی خود را در قالب کلام اظهار دارند؛ در حالی که محدود کردن خواست کودکان به اظهاراتشان محدودیت هایی غیر لازم و غیر واقعی را در ارتباطی که باید بین کودک و مشاور به وجود آید، تحمیل می کند. به ویژه، اگر این ارتباط برای یک تجربه درمانی باشد. بازی برای کودکان مساوی است با صحبت با بزرگسالان، بازی وسیله ای است برای بیان احساسات، کشف روابط و ارضای خود. کودکان در صورتی که مجال یابند، احساسات و نیازهای خود را از طریق بازی به همان صورت و روشی بیان می دارند که مشابه روش بزرگسالان است.

پویایی بیان مسئله و وسیله برای ارتباط در مورد کودکان متفاوت است اما بیانات کودکان در مواردی مانند ترس، عصبانیت، شادمانی، ناکامی و غیره شبیه بزرگسالان است. بازی ها کلمات کودکان هستند و اگر تعدادی از آن ها به دقت گزینش شود، می تواند برای کودکان فرصتی فراهم آورد تا احساسات و مشکلات خود را همان گونه بیان کنند که تجربه کرده اند.

متخصصان کودک در مطالعات انجام شده متوجه این موضوع شدند که از طریق بازی می توان بر احساسات منفی و فشارها در کودک با برون ریزی این احساسات غلبه کرد. اهمیت بازی در کودک تا آنجاست که می تواند بهنجاری یا نابهنجاری وی را در بزرگسالی اش رقم بزند. در مورد کودکانی که قادر به بیان مشکلات و ناراحتی هایشان از طریق گفت و گو نیستند، بازی می تواند بهترین عامل برای شناخت و درمان اختلال هایشان آنان باشد. امروزه، در دنیا در زمینه بازی درمانی اقدامات پیشرفته ای صورت گرفته است که تمام اشکال لازم را شامل می شود. در کشور ما هم اقداماتی انجام گرفته که درخور توجه است.

در مراکز درمانی خصوصی و دولتی و در مراکز توان بخشی و مهدهای کودک، اتاق های بازی به شکل ساده ای ایجاد شده است که در آن ها خدمات درمانی و تشخیص با کادر مجرب استادان این رشته انجام می شود. نکته مهم، تدارک دیدن این گونه اتاق ها



در مدرسه‌هاست که می‌تواند از به وجود آمدن مشکلات جبران‌ناپذیر پیشگیری کند. به هر حال، بازی درمانی یکی از خدمات انسانی است که می‌تواند یک نسل را از وجود مشکلات روانی و اجتماعی و خانوادگی نجات بخشد و فرزندان سالم را به جامعه تحویل دهد. بازی درمانی اغلب برای درمان کودکان ناسازگار و کسانی که در حل مسائل مربوط به سازگاری مشکل دارند، استفاده می‌شود.

بازی درمانی روشی است که در آن ابزارهای طبیعی بیان حالت کودک، یعنی بازی، به عنوان شیوه درمانی به کار گرفته می‌شوند تا به کودک در مهار فشارهای احساسی خویش کمک کنند. همچنین این روش در مورد کودکان سه تا هشت ساله‌ای که کار می‌رود که مشکلات خانوادگی (مانند جدایی والدین) دارند، ناخن می‌چوند، دچار شب‌اداری هستند، اختلال رفتاری دارند، بیش‌فعال‌اند، در روابط گروهی موفق نیستند یا قربانی انواع سوء استفاده شده‌اند. این نوع درمان در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. درمانگرانی که از بازی درمانی استفاده می‌کنند، معتقدند این روش به کودک اجازه می‌دهد جهان را در مقیاسی کوچک‌تر با دستان خود بسازد و آن را تحت نفوذ خویش درآورد؛ کاری که در محیط پیرامون هر روز کودک امکان‌پذیر نیست. پیازه معتقد است که در فعالیت‌های خودجوش کودک، باید او را آزاد گذاشت؛ زیرا دخالت نامناسب و بی‌موقع در فعالیت‌های او استقلال و خودمختاری‌اش را از او سلب می‌کند. با این همه، تأثیر بزرگ‌ترها را در بازی کودک بی‌اهمیت نمی‌شمارد و به حضور مناسب آن‌ها در بازی‌های کودکان اشاره می‌کند. مشارکت مناسب والدین در بازی‌های کودکان موجب مستحکم‌تر شدن رابطه والد و فرزند می‌شود و در عین حال موقعیتی مناسب پیش می‌آورد که والدین به تربیت کودک بپردازند و نکات تربیتی‌اش را در خلال بازی به او آموزش دهند. والدین تعیین‌کننده نوع و شیوه بازی کودک نیستند و بهتر است موقعیتی سالم برای بازی برای او فراهم سازند و خود به‌عنوان همبازی شرکت داشته باشند و اجازه دهند کودک با قدرت خلاقیت خویش بازی را اداره کند.

در این بازی‌ها والدین نباید خواست و اراده خود را به کودک تحمیل کنند، بلکه باید همیا و هم‌ردیف او قرار بگیرند و امکان بازی شادی را فراهم کنند. پیامبر اکرم می‌فرماید: «هر کس که کودک نزد اوست، باید برای او کودک شود.» والدین تسهیل‌کننده مسیر بازی کودک هستند. کودکان با توجه به شرایط سنی‌شان نوع بازی خود را انتخاب می‌کنند. لازم است والدین دقت کنند مکان بازی موقعیتی سالم، امن و مناسب باشد تا مشکلی کودک را تهدید نکند. مثلاً با توجه به علاقه کودکان و حضور در بازی‌های اجتماعی در پنج سالگی لازم است والدین با فراهم آوردن زمینه برای چنین بازی‌هایی در انتخاب هم‌بازی کودک خود دقت کنند و به‌صورت غیرمستقیم بر بازی آن‌ها نظارت داشته باشند. همچنین، در انتخاب اسباب‌بازی نهایت دقت و تناسب را داشته باشند و اسباب‌بازی‌هایی را انتخاب کنند که برای رشد فکری و شناختی کودک مفیدند.

منابع

۱. احمدوند، محمدعلی؛ روان‌شناسی بازی (چ پنجم)، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ۱۳۸۱.
۲. اسپادک، برنارد؛ آموزش در دوران کودکی (چ هشتم)، مترجم: محمد حسین نظری‌نژاد (۱۳۸۷)، به‌نشر، تهران، ۱۳۸۷.
۳. اکسلاين، ویرجینیا؛ دبیز در جستجوی خویشتن. مترجمان: سرور مزینی و مریم نوذرآدان (۱۳۳۸). روزبهان، تهران، ۱۳۳۸.
۴. جلالی، مهدی؛ روان‌شناسی کودک، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵.
۵. سدیدالدین محمد عوفی؛ جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات. ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۰.
۶. محمد اسماعیل، الهه؛ بازی‌درمانی نظریه‌ها، روش‌ها و کاربرد بالینی، دانژه، تهران، ۱۳۸۷.

هر فرد برای رشد ذهنی و اجتماعی به‌اندیشه و تفکر نیاز دارد و بازی خمیرمایه این تفکر و اندیشه‌است